

## مفهوم عدالت پس از انقلاب اسلامی (تحلیل گفتمان روزنامه‌ی کیهان و شرق)

عباس اسدی\*

هادی مخدومی\*\*

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی مفهوم عدالت در مطبوعات ایران بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ با تاکید بر دو روزنامه‌ی کیهان و شرق می‌پردازد. در این پژوهش محقق بر آن است تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی و استخراج مفاهیم و مقولات مورد نظر در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نشان دهد که هر یک از این دو روزنامه‌ی کیهان و شرق چه برداشتی مفهوم عدالت دارند و گفتمان حاکم بر مفهوم‌پردازی این دو روزنامه را به عنوان دو گفتمان رقیب مورد ارزیابی قرار دهد. متون استخراج شده نیز برای این تحقیق شامل تمام سرمقاله‌های روزنامه‌ی کیهان و شرق می‌باشد که بر این اساس سعی شد تا سرمقاله‌های که به موضوع تحقیق نزدیکند و بیشترین نقش را در بازنمود گفتمان حاکم را دارند، بصورت هدفمند انتخاب شود. چرا که روش نمونه‌گیری هدفمند، در این پژوهش بهتر می‌تواند پاسخگوی هدفهای تحقیق باشد. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است روزنامه‌های شرق و کیهان هر یک از منابع گفتمانی خاص تغذیه می‌کنند و اقتصاد واژگانی و مفاهیمی که به کار می‌گیرند واجد یک ریشه‌ی تاریخی/سیاسی است. مفهوم‌پردازی روزنامه‌ی کیهان از عدالت را می‌توان ذیل

assadiabbas1@gmail.com

\* دانشیار گروه روزنامه‌ی نگاری دانشگاه علامه طباطبائی،

hadi.makhdomi@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی،

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۵

گفتمان دینی سنتی فهم کرد که از نظر تاریخی تبارش به جدال‌های صدر مشروطه و شکل‌گیری گفتمان‌های متعدد در فضا اندیشه‌ای و سیاسی ایران بر می‌گردد. تبار دینی گفتمان حاکم بر روزنامه شرق را می‌توان در آرای نواندیشان دینی منجمله علامه نایینی و آخوند خراسانی در صدر مشروطه جستجو کرد.

## واژگان کلیدی

عدالت، گفتمان دینی، گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی، کشمکش گفتمانی، مطبوعات

### ۱. طرح مسئله

عدالت یکی از نیازهای گم شده بشری است. مسئله عدالت به قدری در سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها اهمیت دارد که حتی حکومت‌های ظالم نیز ریاکارانه خود را متصف به آن دانسته و برای جلب قلوب مردم، هدف خود را تحقق قسط و عدل اعلام می‌دارند. در نتیجه این امر همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر و از جمله مفاهیم بنیادی و محوری همه‌ی فیلسوفان و اندیشمندان به‌ویژه در عرصه سیاسی و فلسفه سیاسی بوده است. در این بین «مطبوعات» به عنوان یک واقعیت اجتماعی آدر دوران اخیر تأثیرات مهمی بر روند تحولات و رخدادهای سیاسی - اجتماعی جامعه دارند، بر این اساس همواره دستیابی به شناختی جامع و دقیق نسبت به عملکرد و کارکردهای مطبوعات به عنوان یک نهاد اجتماعی و بطور کلی یک پدیده اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. از مطبوعات به عنوان «وجدان جامعه»، «مجرای ارتباطی» بین «مسئولین و مردم» و «یکی از نهادهای جامعه مدنی» تعبیر می‌کنند. مطبوعات بازتاب ذهنی و عینی مهمترین مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

پس با این وجود، این رسانه‌ها هستند که می‌توانند منبع شناخت افکار و ایدئولوژی‌های یک جامعه و یک گفتمان خاصی باشند. برای این پژوهش محقق دو روزنامه کیهان و روزنامه شرق به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته و مورد تحلیل قرار داده است. چرا که این دو روزنامه به عنوان دو تریبون رایج برای ترویج گفتمان‌های غالب عمل می‌کنند.

The press

Social fact

## ۲. عدالت و سیر تاریخی مفهوم آن

عدالت دارای یک معنای روشن و مسلّم که همگان، آن را قبول داشته باشند نیست. در طول تاریخ، مفهوم عدالت، تحول چشمگیری داشته و جنبه‌های مختلفی از روابط اجتماعی انسان‌ها را ارزش‌گذاری نموده است. در حقیقت، معمولاً اندیشمندان، واژه مقدس عدالت را برای شرح بالاترین ارزش اخلاقی در نزد خود بکار برده و می‌برند؛ نه اینکه عدالت، اشاره به یک مفهوم واقعی که مفهوم آن را کشف نمود، بنماید. اندیشه کلاسیک سیاسی در غرب با فیلسوفانی نظیر افلاطون آغاز شد که کتاب «جمهوری» خود را در قالب مناظره با موضوع «عدالت» نوشته است، و بحث خود را با این پرسش آغاز می‌کند که «معنای عدالت و حق و در ست چیست؟» و می‌گوید که نشان دهد آرمان عدالت، در چه رژیم سیاسی‌ای به منصفه ظهور می‌رسد و عدالت اجتماعی در چه اوضاعی بدست می‌آید. اندیشه سیاسی در غرب بعد از گذار از دوره‌های قرون وسطی و رنسانس و عصر روشنگری مسیر خود را با فیلسوفانی نظیر آگوستین، آکونیا، هابز، لاک و روسو ادامه داد که هر یک به طریقی به موضوع عدالت از منظره حقوقی و سیاسی توجه داشتند تا اینکه با ورود به قرن بیستم شکل دیگری به خود پیدا کرد. و در ابتدای این قرن مارکس با ایده‌های سوسیالیستی خود موضوع عدالت اقتصادی و سیاسی را مطرح کرد و در تضاد بین برابری و آزادی، برابری را ترجیح داد. در انتهای قرن بیستم، در نقطه مقابل، جان رالز کتاب «نظریه‌ای در باب عدالت» را رویکرد لیبرالیستی و در دفاع و اصلاح نظام سرمایه‌داری نوشت و به تشریح اصول عدالت پرداخت. و سعی کرد بین عدالت و آزادی آشتی برقرار کند و با این کار نشان داد که موضوع عدالت همچنان برای بشر امری تازه و قابل برررسی است که با گذر زمان کهنه نمی‌شود. در واقع، هیچ زمانی به اندازه سه دهه اخیر قرن بیستم، مقوله عدالت و اصول آن، این‌گونه در کانون توجه فیلسوفان سیاسی نبوده است. در ایران و در بین اندیشمندان فلاسفه اسلامی نیز عدالت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در بین فلاسفه مختلف مسلمان از اهل سنت اشاعره و معتزله گرفته تا فیلسوفان پراوازه‌ی شیعه نظیر ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی تعبیر و تفاسیر مختلف فلسفی، حقوقی و سیاسی از عدالت کرده‌اند. لذا پرواضح است که عدالت یک مفهوم سیاسی است که می‌توان از آن تفاسیرهای مختلف و حتی متضاد ارائه کرد. بنابراین مشاهده می‌کنیم عدالت یک دغدغه مشترک بشری است که طول تاریخ وجود داشته است.

### ۳. معنای لغوی عدالت

عدالت در طول تاریخ به دو شکل متفاوت به تصور در آمده است: همچون اندیشه‌ی فرازمینی ابدی که مستقل از انسان است، و همچون آرمانی اجتماعی که ساخته بشر و این جهانی است (وینر، ۲۱۸: ۱۳۹۱). از واژه عدالت تعاریف متفاوتی صورت گرفته است. مسأله عدالت با حیات اجتماعی انسان بر روی کره زمین آغاز شده است. در طول تاریخ اندیشه نیز متفکران به تبیین و تعریف آن پرداخته‌اند. در واقع، از دیر باز تاکنون، یکی از اشتغالات عمده‌ی اندیشمندان، جستجوی مبانی عدالت و قانون عادلانه در جامعه بوده است. یکی از اندیشمندان غربی به نام پرلمان معتقد است، چندمعنایی بودن مفهوم عدالت موجب استعمال آن به صور متنوع و مختلط شده است. از این رو، احصای تمام معانی عدالت، وهمی بیش نیست. وی چند معنای آشتی‌ناپذیر این مفهوم را به شرح زیر عنوان می‌کند:

۱. به هرکس چیزی یکسان تعلق گیرد.

۲. به هرکس متناسب با شایستگی‌اش چیزی اختصاص یابد.

۳. به هرکس متناسب با کارکرد و تولیداتش چیزی اختصاص یابد.

از نظر وی، مفهوم مشترک در معانی فوق از عدالت، در معنای صوری آن، یعنی «عمل به طریقه برابر» نهفته است. وی عقیده دارد که «هم مفهوم انتزاعی عدالت و هم مفهوم انضمامی آن، از حیث معنا متعدد و متکثر هستند؛ زیرا اختلافات ارزشی در گذشته و حال و در کل جوامع و همچنین تغییر ارزش‌های اجتماعی در گردونه زمان، باعث تغییر در رویه‌ی اعمال عدالت و مفاهیم انضمامی آن است».

### ۴. چارچوب نظری

#### ۱. نظریه عدالت جان راولز

پیوند میان عدالت و آزادی یکی از مسائلی است که فیلسوفان سیاسی همواره خود را با آن مواجه دیده‌اند و تلاش کرده‌اند تا راحل مناسبی برای آن بیابند. لذا بدون شک احیای رویکرد قراردادگرایی به عدالت اجتماعی در قرن اخیر توسط جان راولز انجام شده است. گزاره‌گویی نیست اگر راولز را معروف‌ترین نظریه‌پرداز عدالت در قرن بیستم و به تبع، کتاب نظریه عدالت را جریان‌سازترین اثر

معاصر وی بدانیم. واقعیت این است که در هیچ یک از نظریات قرن بیستم، عدالت از چنان جایگاهی که در دیدگاه راولز دارد، برخوردار نیست. راولز تنها لیبرالی است که به طور مستقل نظریه پردازی کرده نه به عنوان طفیلی آزادی (خاندوزی، ۱۹۹۰: ۱۳۹). راولز از یک سو به سنت لیبرالیسم تعلق دارد و از سوی دیگر به سنت پیمان اجتماعی. لیبرالیسم اصالتی برای آزادی فردی قائل است که دست کشیدن از حقوق فردی و تبعیت از خواست همگانی متجلی در حاکمیت را بر نمی تابد. نظریه عدالت انصافی راولز نظریه ای لیبرالی است؛ لذا طرحی مقدماتی از لیبرالیسم ما را آماده ی بررسی دقیق تر و تفصیلی تر آثار راولز می کند. راولز با انتشار کتاب نظریه عدالت خود، مدعی شد که این دو مؤلفه مهم اندیشه سیاسی (عدالت و آزادی) نه تنها تعارضی با یکدیگر ندارند بلکه تنها با لحاظ کردن هر دوی آنها در نظریه ای موجه و سازگار است که می توان امیدوار به تأمین آنها در جامعه بود. او بخصوص در مقاله عدالت به عنوان انصاف، تلاش می کند تا اصولی از عدالت را معرفی کند که در برگزیده ائتلافی سازماند از این دو مؤلفه مهم باشد. به اعتراف غالب مفسرین، انتشار کتاب و مقاله مذکور جان دوباره ای به فلسفه سیاسی در قرن بیستم بخشید. بی گمان اندیشه های راولز در درون سنت لیبرالیسم جای می گیرد، و رهاورد تلاش وی عرضه قرائتی از لیبرالیسم است که تا حدی مساوات طلبانه است. لذا با بررسی مبانی فلسفی نظریه عدالت راولز در این پژوهش به عنوان چارچوب مفهومی تحقیق، به معرفی و تبیین روشنی از ابعاد مختلف این نظریه می پردازیم.

وی در نخستین عبارت کتابش می گوید:

«عدالت نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی است و هر قانون یا نهادی فارغ از آنکه چقدر کارآمد و سامان یافته باشد، اگر ناعادلانه باشد باید اصلاح یا کنار گذاشته شود... عدالت مانند صدق، قابل معامله و مصالحه نیست... تنها چیزی که به ما اجازه می دهد بی عدالتی را تحمل کنیم، پرهیز از بی عدالتی بزرگتر است» (راولز، ۱۳۸۷: ۳۲).

در واقع راولز عدالت را از خاستگاه اخلاقی بررسی نمی کند بلکه آن را به عنوان مسئله نظم اجتماعی و فلسفه سیاسی مدنظر قرار می دهد، هر چند وی می داند که نظریه عدالت به نظریه تمایلات اخلاقی وابسته است (همان: ۹۷). به بیان دیگر او از ارائه یک آموزه جامع اخلاقی که عدالت در ذیل آن تعریف شود، به نحو استادانه ای می گریزد (راولز، ۱۳۸۳: ۱۸). راولز بعدها تصریح می کند که

Theory of justice

egalitarian

هدفش طراحی نظام عادلانه نبوده، بلکه راهکار او فقط برای جامعه دموکراتیکی مناسب است که مبتنی بر لیبرالیسم سیاسی می‌باشد. یعنی جامعه‌ای که اولاً، تکثر اهداف زندگی را به رسمیت می‌شناسد و ثانیاً، قدرت سیاسی را در دست شهروندان آزاد و برابر قرار می‌دهد (همان: ۷۹). روش پیشنهادی رالز برای دستیابی به محتوای عدالت اجتماعی، متکی بر تصور اوضاع خاصی به نام وضع اصیل است. افراد موجود در این وضعیت که می‌خواهند درباره اصول عدالت و پایه اخلاقی نظم اجتماعی، منصفانه تصمیم‌گیری کنند، در موقعیت فردی ویژه‌ای به سر می‌برند. در نگاه رالز، وضع حاکم بر این افراد منصفانه‌ترین وضع داوری درباره معیارهای عدالت است. جان راولز در یک جمع‌بندی می‌نویسد:

«هیچ کس شایستگی توانایی طبیعی بیشتر خود را ندارد و مستحق نقطه‌ی شروع مطلوبتری در جامعه نیست. اما البته این به هیچ دلیلی برای نادیده گرفتن این توانایی‌ها و بدتر از آن، حذف این تمایزات نیست. به عکس، ساختار پایه‌ای جامعه را می‌توان چنان سامان داد که این امکانها در جهت خیر بخت‌برگشتگان به کار افتد. بدین ترتیب، اگر دلمان بخواهد نظام اجتماعی را سامان دهیم که هیچ کس از جایگاه تصادفی‌اش در توزیع امکانات طبیعی یا موقعیت اولیه‌اش در جامعه، بدون دادن یا گرفتن امتیازات جبرانی مابه‌ازا، منتفع یا متضرر نشود، به اصل تفاوت می‌رسیم (تلیس، ۱۱۵: ۱۳۸۵-۱۱۶).

در حقیقت رالز در نظریه عدالت خود این دو معیار را برای سنجش عادلانه بودن یا نبودن نهادهای مختلف جامعه از قبیل نظام سیاسی، ساختار اقتصادی، قوانین اساسی، سیستم آموزش و پرورش، نحوه مالکیت منابع اقتصادی و ابزار تولید، نظام قضایی و دیگر نهادهای مهم و اساسی جامعه در نظر می‌گیرد (واعظی، ۱۸: ۱۳۸۴). لذا با توجه به نظریه عدالت رالز می‌توان نتیجه گرفت که همه‌ی شهروندان باید در آزادی‌های پایه برابر باشند، و همه آن‌ها باید فرصت‌های برابری در آزادی‌ها و فرصت‌ها باید حق برابر در احترام به همگان را تأمین کند و نابرابری اقتصادی و اجتماعی فقط تا آنجا که در جهت منافع همگان و به‌ویژه کم‌برخوردارترین افراد جامعه باشد، مجاز است.

## ۲. نظریه عدالت مرتضی مطهری

مرتضی مطهری از جمله اندیشمندانی است که در باب عدالت بحث کرده و تقریباً همه جنبه‌های آن

را مورد بررسی قرار داده است. عدل از دیدگاه مطهری، مفهومی چند بُعدی است. عدل نوعی جهان‌بینی است که در ارتباط با عقل و در ردیف کتاب و سنت است و در ارتباط با امامت و رهبری یک شایستگی است و نسبت به اخلاق آرمانی اخلاقی است، در مقابل اجتماع یک مسئولیت است و در مقایسه با نبوت و تشریح قانون مقیاس و معیار قانون‌شناسی است (کیخا، ۱۳۸۹: ۱۱). در کتاب عدل الهی معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری را «رعایت استحقاق‌ها و اعطا کردن به هر ذی‌حقی آنچه استحقاق آن را دارد» می‌داند (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۶). در واقع در نظر استاد مفهوم عدالت رعایت حقوق افراد و اعطاء حق به صاحب حق است. حق طبیعی و قرآن به‌عنوان منابع کشف عدالت بوده، و بحث عدالت ابعاد وسیعی را دربر می‌گیرد. در این راستا عدل الهی زیربنای عدالت فردی و عدالت فردی زیربنای عدالت اجتماعی است. مطهری با بررسی عدالت در مکاتب سوسیالیسم و لیبرالیسم برداشت سومی در قالب سوسیال دموکراسی ارائه می‌نماید که در آن تکیه بر نظام اقتصادی بسته و نظام سیاسی باز شده است. مطابق این دیدگاه امکان تأمین منافع فرد و جامعه وجود دارد. اما این ترکیب هنوز کافی به‌نظر نمی‌رسد. از این رو به اعتقاد مرتضی مطهری باید معنویت را که ادیان به ویژه دین اسلام منادی آن می‌باشند را، به این ترکیب افزود (www.hawzah.net). حقیقت دینی مایه‌ی مرکزی اندیشه مطهری بوده و مفهوم عدالت در ساختار اندیشه او در خدمت پویایی و پاسداری از دین در برابر شبهاتی است که توسط مکتب‌ها و جهان‌بینی‌ها مطرح می‌شود. مضمون عدالت، حجم عمده‌ای از نوشتارها و سخنرانی‌های مطهری را به خود اختصاص داده است. تقریر عدالت نزد مرتضی مطهری برداشت عالمانه از دین است و عدالتی که ایشان بر آن تأکید دارد ناشی از درد دین بوده است. لذا او ناهمواری‌های اجتماعی، آشفتگی روحی و جنایات اخلاقی و حتی عقده‌ها و جنایت‌ها را از عدم جریان عدالت در جامعه می‌داند. مطهری به پیروی از اندیشه و عمل حضرت‌علی، عدالت را مبنای سیاست و فلسفه اجتماعی اسلام می‌داند و آن را ناموس بزرگ اسلام تلقی می‌نماید (www.hawzah.net).

استاد مطهری در کتاب‌های «عدل الهی» و «اسلام و مقتضیات زمان» در مقام تبیین مفهوم عدالت سعی می‌کند با توجه به تنوع کاربرهای عدل در فضاهای مختلف آن را تفهیم نماید و لذا چهار معنا برای عدل بیان می‌کند:

**۱. موزون بودن و تعادل:** یک اجتماع متعادل به کارهای فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و تربیتی احتیاج دارد. این کارها باید میان افراد تقسیم شده و برای هرکدام به قدر لازم کارگزار گماشته شود و بودجه و نیرو صرف گردد. عالم هستی موزون و متعادل است. اگر چنین نبود

برپا باقی نمی‌ماند و این نظم و تناسب و حساب معین در آن نبود، چنان که حدیث نبوی هم به این مطلب اشاره می‌نماید: «بالعدل قامت السموات و الارض». نقطه مقابل عدل در این معنا بی‌تساوی است نه ظلم چون بحث عدل به معنای تناسب در برابر بی‌تناسبی در کل نظام عالم است در حالی که عدل در مقابل ظلم ملاحظه هر جزء و حقوق فردی مطرح می‌شود. عدل به معنای تناسب و توازن در نظام عالم از شئون خداوند حکیم می‌باشد.

**۲. تساوی و نفی هر گونه تبعیض:** مقصود از عدالت، رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌هایی می‌باشد که افراد از آن برخوردارند که این رفع تبعیض با ملاحظه تفاوت‌ها بین افراد است (مطهری، ۵۴: ۱۳۷۶-۵۷). طبق این تعریف بین عدل و مساوات هیچ تفاوتی نیست. به نظر حکمای اسلامی این تعریف تنها در محدوده مضیق استحقاق‌های متساوی (یعنی حقوق اولیه منبعت از علت‌غایی، که در جای خود بدان اشاره خواهد شد)، می‌توان متضمن عدالت باشد و در غیر این صورت، یعنی نبود استحقاق‌های مساوی که چندان هم غیرمتحمل نیست، برقراری مساوات عین ظلم و ناقص عدل می‌شود. چنانچه به تعبیر استاد مطهری «اگر اعطای بالسویه عدل باشد، منع بالسویه هم عدل خواهد بود» (به نقل از پیغامی، ۱۳۸۷: ۱۷۸).

**۳. رعایت حقوق افراد و عطاء کردن حق به ذی‌حق:** در این معنا عدل در برابر ظلم (پایمال کردن حق دیگری) قرار می‌گیرد. آنچه همواره باید در قوانین بشری به معنای عدالت اجتماعی رعایت شده و همگان آن را محترم بشمارند همین معناست. ظلم به معنای تجاوز به حریم و حق دیگری و نسبت به خداوند محال می‌باشد چون او مالک علی‌الطلاق بوده و هیچ چیز در مقایسه با او اولویت ندارد. مطهری این تعریف از عدالت را متکی بر دو امر می‌داند، یکی حقوق و اولویت‌ها که نیمی از افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا می‌کند و دیگر این که خصوصیت ذاتی بشر به گونه‌ای است که در دستیابی به مقاصد و سعادت خود با استفاده از اندیشه‌های اعتباری به عنوان آلت فعل بهره می‌برد؛ لذا برای رسیدن افراد جامعه به سعادت باید یک‌سری حقوق و اولویت رعایت شود.

**۴. رعایت قابلیت‌ها در افاضه وجود و عدم امتناع از افاضه به آن چه که امکان وجود را دارد:** عادل بودن پروردگار نزد حکمای الهی به این امر است که در نظام تکوین به هر موجودی به اندازه قابلیت آن کمالات وجودی افاضه می‌کند، او از موجودی که استحقاق و قابلیت دارد، منع فیض نمی‌کند. این معنای عدل صرفاً در حوزه کلامی کاربرد دارد (مطهری، ۵۴: ۱۳۷۶-۵۷). در واقع تعریف مورد قبول عدل از دیدگاه مرتضی مطهری تعریف سوم است. الگویی که می‌-



تواند هم در حوزه عدالت فردی و هم در بُعد اجتماعی آن بکار گرفته شود، همان تعریف سوم (رعایت حقوق) است که بنا بر مساوات در قانون افراد بشر باید به یک چشم نگاه شوند، قانون بین افراد تبعیض قایل نشود بلکه استحقاق‌ها را رعایت کند. افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آنها به مساوات رفتار کند. پس افرادی که خودشان در شرایط مساوی نیستند قانون هم نباید با آنها مساوی رفتار کند بلکه مطابق شرایط خودشان با آنها رفتار نماید.

در پایان می‌توان گفت که عدالت از نظر مرتضی مطهری یک آرمان اخلاقی و اجتماعی است که بشر ذاتاً به آن گرایش دارد و در همه‌ی زمینه‌های زندگی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عدل الهی که شامل حال بندگان می‌شود ساری و جاری است و آن را محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌داند. نگاه مرتضی مطهری به عدالت برگرفته از آموزه‌های اسلامی است، در واقع استدلال مطهری در زمینه عدالت علاوه بر پایه‌های استدلالی و عقلانی بر بنیاد دینی استوار است (امام جمعه زاده و میلانی، ۱۳۹۱: ۴۴). در واقع می‌توان گفت مطهری بر برابری همه‌ی افراد جامعه بدون توجه به رنگ پوست، نژاد و مذهب اشاره دارد و بر اهمیت جامعه و نهادهای اجتماعی و زمینه‌سازی در اجتماع برای تحقق عدالت تأکید می‌ورزد. به بیان دیگر طرح مطهری برای تحقق عدالت اجتماعی که بر مبنای آزادی و برابری است.

#### ۵. روش تحقیق

هدف تحلیل‌گفتمان این است که چگونه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی بر ارتباطات (شامل معانی، محتوا، ساختارها، استراتژی‌ها) تأثیر می‌گذارد. و با توجه به اینکه هدف این تحقیق تحلیل‌گفتمان عدالت در مطبوعات ایران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ می‌باشد، لذا برای تحقیق پیرامون این مسئله از روش تحلیل‌گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف استفاده می‌شود. تحلیل‌گفتمان، رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. این روش، حاصل مطالعه زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی است. و دلیل انتخاب این روش برای پژوهش، کارایی آن برای تحلیل سیستماتیک ساختار محتوا در مطبوعات می‌باشد.

#### ۶. جامعه آماری

در این پژوهش برای تحلیل‌گفتمان عدالت در مطبوعات (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲) از میان همه‌ی سرمقاله‌ها- که در دو روزنامه‌ی کیهان، شرق منتشر شده‌اند- به سرمقاله‌های که بطور خاص به

مفهوم عدالت پرداخته‌اند رجوع می‌شود. در واقع جامعه آماری ما شامل تمام سرمقاله‌های منتشر شده در روزنامه‌های کیهان و شرق می‌باشد.

### ۷. روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان نمونه‌گیری آماری نیست بلکه این نمونه‌گیری، تحلیلی و مبتنی بر هدف، در واقع نمونه‌گیری از موارد برجسته است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند می‌باشد، چرا که در تحلیل گفتمان، اساساً کیفیت حضور یا غیبت مفاهیم در متن، مورد نظر است و روش نمونه‌گیری هدفمند، در این تحقیق بهتر می‌تواند پاسخگوی هدفهای تحقیق باشد. در واقع سعی شده است که ابتدا تمامی متون یا سرمقاله‌های انتخابی در دوره‌ی تعیین شده، مطالعه و بررسی شود و سپس از میان تمام سرمقاله‌های روزنامه‌های مورد بررسی (کیهان و شرق) متنهای را که جنبه نمونه معرف را داشتند یا بیشترین نقش را در باز نمود گفتمان مسلط را داشته‌اند، انتخاب شده است.

### ۸. تحلیل گفتمان سرمقاله روزنامه‌ی کیهان

- متن اول

شماره سرمقاله:	روز هفته:	تاریخ نشر:	عنوان سرمقاله:	نام نویسنده:
۱۹۱۶۸	پنج شنبه	۱۳۸۷/۶/۷	گفتمان برتر	حسام الدین برومند
<b>متن سرمقاله:</b>				
<p>انقلاب اسلامی ایران با ایدئولوژی اسلامی بر گفتمان‌های حاکم بر عصر خود غلبه یافت و گفتمان‌های مارکسیسم و امپریالیسم را- که در شرق و غرب دنیا جولان می‌داد- به چالش کشاند. این اتفاق بزرگ که نامعادله سلطه‌گران را به هم ریخته و ادامه زیادی خواهی و افزون طلبی آنان را با مانع جدی روبرو کرده بود به طور طبیعی و قابل انتظاری تقابل آنان با «گفتمان دین‌مدار» را در پی داشت. این مقابله ابتدا با اهرم‌های نظامی و اقتصادی آغاز شد و نظام سلطه بین‌المللی بعد از ناکامی در مقابله نظامی به پروژه مسخ «گفتمان دین‌مدار» و آنچه امروزه به جنگ نرم معروف است روی آورد. در آوردگاه جدید، جنگ دو گفتمان بالاگرفت، گفتمانی</p>				

براساس مادیت، جاهلیت و غارت در برابر گفتمانی بر پایه معنویت، عقلانیت و عدالت. گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر حضور دین در اجتماع و سیاست، پارادایم موقتی بشر یعنی توجه به «سکولاریزم» و بازنشستگی دین در عصر حاضر را به محاق برد و پس از گذشت سه دهه از عمر انقلاب اسلامی با اندک تاملی رویکرد ملت‌های مسلمان به این گفتمان و دوری پرشتاب آنها از نسخه‌های غربی را به وضوح می‌توان دید و در همان حال، ناتوانی همراه با آشفتگی آمریکا و متحدانش از میدان‌داری گفتمان دین‌مدارانه قابل انکار نیست. دشمن اما، هیچگاه از تلاش خصمانه دست برنداشت و هر روز ترفند تازه‌ای از آستین بیرون آورده و ساز بد صدای جدیدی ساز کرد. در سوی دیگر این میدان، جمهوری اسلامی ایران در میانه این امواج طوفانی و تحرکات شیطانی بر گفتمان انقلابی خود پای فشرد و ایستاد و نه تنها به حیاتش ادامه داد، بلکه دستاوردهای قابل توجهی - حتی به اعتراف دشمنان - در حوزه‌های مختلف علمی، صنعتی، سیاسی و دفاعی کسب کرد. قارن با تلاش‌های دشمنان تابلودار نظام طی ۳۰ سال گذشته همواره کسانی در داخل مودیان در مسیر خوارخانه‌های آنها گام برداشتند و یا دست کم در برابر خواسته‌های قدرت‌های غربی سستی به خرج داده و پای پس کشیدند و تازه با ژست روشنفکری - انگار فقط اینها می‌فهمند - بر طبل گفتمان و نظریات غربی کوبیدند آنچنان که برخی از این دنباله‌های داخلی کا سه داغ تر از آتش شدند و بر پویایی و مانایی گفتمان‌های غربی حکم راندند! یک روز طوق سوسپال دمکرات را بر گردن آویختند و به آن مباحثات می‌کردند و روز دیگر از لیبرال دمکراسی به عنوان نسخه نجات‌بخش نام می‌بردند! و اما شگفتی و تعجب آن که در عین حال داعیه‌دار آرمان‌های انقلاب و خط امام(ره) نیز بودند و برخی از آنها هنوز هم هستند! آیا براستی گفتمان هویت‌بخش انقلاب و امام(ره) با گفتمان‌های عاریتی غربی قابل جمع است؟ آیا مسیر حرکت کشور را در راستای گفتمان‌های به دور از معنویت و عقلانیت، هدایت کردن و رجز پیشرفت و توسعه خواندن با مبانی امام‌راحل و انقلاب سر سازگاری دارد؟ ذر از گردنه‌های سخت و پر پیچ و خم در این سه دهه براساس کدام گفتمان و بینش و منش حاصل شده است؟ گفتمان پویای انقلابی یا گفتمان ایستا و منفعلانه خودباختگی و غربزدگی؟ امروز قدرت‌های غربی و استثماری در مواجهه با دو رویکرد اومانستی و خدامحوری راه اول را برگزیده اند و جهت‌گیری و برنامه‌ریزی‌هایشان را نیز بر این پایه بنا نهاده‌اند؛ اما تفکر انقلاب اسلامی با احیاء گفتمان دینی مسیر تازه و فصل جدیدی را بر روی بشریت گشوده است و پس از سه دهه ایستادگی، می‌رود تا دهه چهارم را دهه پیشرفت و عدالت رقم بزند تا طعم حیات شرافتمندانه توأم با شأن و منزلت را

بر کام‌ها ساری و جاری سازد.

حال با طلیعه دهه چهارم انقلاب به نام پیشرفت و عدالت ذکر نکاتی خالی از فایده نیست. ۱- در مسیر پیشرفت و عدالت همچنان که رهبر بصیر انقلاب تاکید دارند، اولاً سند چشم‌انداز نقشه راه پیشرفت است و لذا جهت‌گیری تمام برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌ها می‌بایست در راستای حرکت به سوی آن باشد تا در سال ۱۴۰۴ ایران بر فراز قله‌های پیشرفت مشاهده شود. ثانیاً پیشرفت باید به موازات عدالت باشد، چرا که هریک مکمل دیگری است و در صورتی که صرفاً بر تک‌گزینه پیشرفت و یا عدالت پافشاری شود آن وقت است که هر دو به نحوی قربانی می‌شوند. مقام معظم رهبری در فروردین امسال در حرم رضوی علیه‌السلام در همین باره می‌فرمایند: «عدالت بدون پیشرفت منجر به برابری در فقر خواهد شد و پیشرفت بدون عدالت هم هرگز مطلوب نخواهد بود زیرا در کنار رفاه و پیشرفت جامعه باید فواید طبقاتی کم شود و همه‌کسانی که استعداد تحرک، کار و تولید دارند از فرصت‌های برابر برخوردار شوند». حضرت آقا در شروع به کار مجلس هشتم نیز طی پیامی بر مسیر عدالت و پیشرفت تاکید می‌کنند و بالاخره در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت‌دولت بار دیگر بر این هشدار اصرار ورزیدند که دهه چهارم انقلاب باید حرکت در مسیر پیشرفت و عدالت باشد. از سویی دیگر عدالت هم بنا بر فرموده «آقا» با دو رکن معنویت و عقلانیت متحقق خواهد شد.

۲- ما این پیشرفت و عدالت باید به موجب کدام اندیشه و گفتمان طراحی شود؟ آیا نظامی که بر اساس مبانی دینی عینیت یافته است و خود دین در تمامی عرصه‌ها دارای عقیده و برنامه است، باید از نظریات و گفتمان‌های غیردینی تغذیه کند؟ به یقین خواست آحاد مردمی که انقلاب را به ثمر رساندند و امروز الگوی انقلاب اسلامی را به فراتر از مرزهای کشورشان صادر کرده‌اند تمکین در برابر گفتمان‌های غیربومی و غیردینی نیست. و پرسش این است که آیا گفتمان‌ها و نظریات غربی در اداره امور موفق بوده‌اند؟ و این که امروزه بحران هویت، فروپاشی‌دگی نظام خانواده و حتی بحران‌های اقتصادی و مالی ناشی از چیست؟ آیا راه پیشرفت و عدالت جز بر پایه گفتمان انقلاب و امام علیه‌السلام میسر خواهد بود؟

قطعاً و یقیناً مولد پیشرفت و عدالت گفتمانی است که منجر به خودباختگی و خودبیگانگی نشود؛ گفتمانی که حاکمیت ظالمانه زر و زور و تزویر را می‌شکافد و عدالت‌خواهی و حقانیت آن گروندگان فراوانی از میان ملت‌های به گرو گرفته از سوی قدرت‌های استکباری دارد.

۳- از جلوه‌های برجسته «گفتمان انقلاب و امام علیه‌السلام خودباوری و ایستادگی در برابر

<p>زورگویان و زیاده‌خواهان و روحیه تهاجمی - و نه منفعلانه - در برابر آنهاست و امروز ایران اسلامی با معیار قرار دادن این گفتمان در سطح سیاست خارجی در رویارویی با نظام سلطه به موفقیت‌های کم‌نظیری - اگر نگوییم بی‌نظیر - نائل شده است و سبب اصلی و علت‌غایی پیشرفت‌ها و دستاوردهای کسب شده نیز در همین امر نهفته است. به طوری که این موج مبارزه با زور و ظلم در بسیاری از نقاط عالم فراگیر شده است و قدرت‌های جاه‌طلب را در عملی کردن خواسته‌هایشان به استیصال کشانده است تا آنجا که امروزه نهضت بیداری اسلامی خرده گفتمان‌های مادی‌گرایانه را به حاشیه رانده و قدرت‌های استکباری را در چالش با این الگوی برتر و پیام پرمخاطب اگر نگوئیم به بن‌بست رسانده، دستکم می‌توان گفت که با دشواری‌های فراوان روبرو کرده است. خدا بر درجات امام راحل عظیم‌الشان بی‌فزاید که می‌فرمود: «این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین است» و نشانه‌های آن به وضوح قابل دیدن است.</p>
<p>سطح اول: توصیف</p>
<p>۱. واژگان:          - مثبت (مثبت): معنویت، عقلانیت، عدالت، ایدئولوژی اسلامی، انقلاب اسلامی، خدامحوری، پیشرفت و عدالت          - منفی (منفی): مادیت، جاهلیت، غارت، دشمن، تحركات شیطانی، استثمار، زر و زور و تزویر، خودباختگی، از خودبیگانگی، استکبار، نظام سلطه، زور و ظلم</p>
<p>۲. افراد و نهادهای مطرح شده در متن و نگرش متن نسبت به آنها (مثبت و منفی):          - مثبت: گفتمان اسلامی، مقام معظم رهبری، امام راحل          - منفی: سوسیال دموکراسی، لیبرال دموکراسی، امپریالیسم، مارکسیسم، روشنفکران، غرب، نظریه‌پردازان غربی، اومانیسیم</p>
<p>۳. قطب‌بندی (غیریت‌سازی):          - توصیف و معرفی «خود»: خدامحور، انقلابی، عدالت‌خواه، خودباور          - توصیف و معرفی «دیگران»: غرب‌زده، خودباخته، استثمارگر، منفعل</p>

<p>۴. استناد به ذکر شواهد:</p> <p>- مقام معظم رهبری باره می‌فرمایند: «عدالت بدون پیشرفت منجر به برابری در فقر خواهد شد و پیشرفت بدون عدالت هم هرگز مطلوب نخواهد بود زیرا در کنار رفاه و پیشرفت جامعه باید فواصل طبقاتی کم شود و همه کسانی که استعداد تحرک، کار و تولید دارند از فرصت‌های برابر برخوردار شوند»</p> <p>امام راحل: «این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین است»</p>
<p>۵. پیش فرض‌ها:</p> <p>- گفتمان انقلاب گفتمان حق عدالت است.</p> <p>- گفتمان غرب گفتمان استکبار و سلطه است.</p>
<p>۶. دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی):</p> <p>- روشنفکری و اندیشه‌های غربی مانع تحقق عدالت و توسعه بر اساس آموزه‌های اسلام و انقلاب است.</p>
<p>۷. مفاهیم «عدالت» در متن:</p>
<p>۸. تلقی و استنباط از واژگان «عدالت» و دارای مقبولیت:</p> <p>- پیشرفت و توسعه، معنویت، کمال، خوباوری، خدامحوری</p>
<p>۹. گزاره‌های اساسی متن:</p> <p>- به یقین خواست آحاد مردمی که انقلاب را به ثمر نشانند و امروز الگوی انقلاب اسلامی را به فراتر از مرزهای کشور شان صادر کرده‌اند تمکین در برابر گفتمان‌های غیربومی و غیردینی نیست.</p> <p>- آیا گفتمان‌ها و نظریات غربی در اداره امور موفق نبوده‌اند.</p> <p>- امروزه بحران هویت، فروپاشیدگی نظام خانواده و حتی بحران‌های اقتصادی و مالی ناشی از غلبه گفتمان غرب است.</p> <p>- راه پیشرفت و عدالت جز بر پایه گفتمان انقلاب و امام <small>علیه السلام</small> میسر نخواهد بود.</p>

۱۰. مؤلفه‌های اجماع و مورد توافق در متن:

- قانون الهی

- بیانات مقام معظم رهبری

- بیانات امام راحل

تحلیل متن و تحلیل فرامتن (تفسیر و تبیین)

مسئله‌ی محوری نویسنده که حول مفهوم عدالت به چفت و بست گزاره‌ها دست می‌زند این است که عدالت از کدام مسیر محقق می‌شود. با بر ساختن یک دوتایی نویسنده غرب را در برابر گفتمان انقلاب و اسلام قرار می‌دهد و غرب را با فساد و نابرابری هم‌ارز دانسته و گفتمان انقلاب و اسلام با مساوات و عدالت و کمال. نویسنده با تولید غیریت در چند سطح تلاش دارد دوگانه حق/باطل را تثبیت کند. سطح اول غیریت همان غرب است، سطح دوم آن نظریان و گفتمان غربی است که در قالب جنگ‌نرم وارد می‌شود و سطح سوم غرب‌زدگی نیروهای داخلی است. نویسنده در این بین هجمه‌ای به روشنفکران به عنوان پیاده‌نظام دشمن می‌برد و تلاش دارد نشان دهد عدالت به عنوان یک مفهوم محوری دارای تأویل‌های باطل و حق است. تفسیر حقیقت‌گو عدالت در اختیار گفتمان انقلاب و اسلام است که مقید به قانون الهی و رهنمودهای مقام معظم رهبری و امام راحل است و در مقابل عدالت غربی از اومانیسیم و مادی‌گرایی تغذیه می‌کند. نویسنده دو تلقی از عدالت را در مقابل هم در یک دوتایی قرار می‌دهد که تلقی غربی در برابر تلقی اسلامی است. تلقی غربی را با دروغ و فساد هم‌ارز می‌کند و تلقی اسلامی را با کمال و پیشرفت.

چفت و بست گزاره‌های متن زنجیره‌ای را تشکیل می‌دهد که کلیه‌ی مباحث و مضامین اندیشه‌ی غرب را ذیل دلالت اخلاقی "بد" تئوریزه می‌کند و در مقابل مضامین اسلامی و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را ذیل دلالت اخلاقی "خوب" متن بر تکررها، شکافها و گسست‌هایی که در هر دو سویه غرب و ایران موجودند سرپوش می‌گذارد و تلاش می‌کند این هر دو را در قالب دو مفهوم کلی در برابر یکدیگر قرار دهد. به همان نسبت که هر چه به غرب نسبت دارد با شر هم‌ارز است هر آنچه با انقلاب اسلامی نسبت دارد هم‌ارز خیر می‌شود. پیشرفت، عدالت، و توسعه ویژگی‌هایی است که به گفتمان انقلاب منتسب می‌شود و فساد، تباهی، استکبار ویژگی‌هایی که به غرب.

در مجموع متن عدالت را ذیل قانون الهی تعریف می‌کند، در مرتبه بعد تجلی این قانون را در جمهوری اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری و امام راحل می‌بیند، در مرتبه سوم تجلی آن را در سند چشم‌انداز می‌جوید و نقطه مقابل آن را به عنوان انحراف و خودباختگی و غرب‌زدگی برمی‌سازد.



- متن دوم

شماره سرمقاله:	روز هفته:	تاریخ نشر:	عنوان سرمقاله:	نام نویسنده:
۲۰۱۴۷	شنبه	۱۳۹۰/۱۱/۲۲	بر بلندای عدالت	حسام‌الدین برومند
متن سرمقاله:				
<p>۱- از اشراف و بزرگان عرب است؛ زنی سرشناس و با نفوذ از قبیله بنی مخزوم. دستش به دزدی آلوده شده بود و چون این مسئله بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام ثابت شد تلاش‌ها و تحرکات نزدیکان و افراد قبیله او شروع گردید تا جلوی مجازات و اجرای حد سرقت را بگیرند. از همین روی؛ به اسامه بن زید متوسل شدند تا نزد پیامبر (ص) پادرمیانی کند و بخاطر مصالح سیاسی از مجازات آن زن صرف‌نظر شود و قضیه به نحوی مختومه گردد و... رسول خدا (ص) از این وساطت ناراحت شده و بیان فرمودند: «از بدبختی‌های امت‌های پیشین در این بود که اگر فرد توانا و بلندپایه‌ای از آنان دزدی می‌کرد، او را می‌بخشیدند و دزدی [و جرم] او را نادیده می‌گرفتند ولی اگر فرد ضعیف و گمنامی دزدی می‌کرد فوراً حکم خدا [و قانون] را درباره او اجرا می‌کردند؛ به خدا سوگوند اگر دخترم نیز چنین کاری می‌کرد حکم خدا را درباره او اجرا می‌کردم...» این روایت معتبر که در منابع مختلفی همچون مستدرک الوسایل، الاستیعاب، صحیح مسلم و... آمده به وضوح نشان می‌دهد آنچه مورد مذمت پیامبر اسلام قرار گرفته وجود یک سیستم قضایی است که سیاست را بر عدالت ترجیح داده و ضعیف‌کشی سکه رایج آن باشد و در نتیجه، دانه درشت‌ها و سرشناس‌ها و آنها که به کانون‌های قدرت و ثروت متصل هستند از چنگ قانون و عدالت بگریزند. برای همین است که چون در قضای اسلام تنها «قانون» حاکمیت دارد پیامبر خدا دستور به اجرای مجازات آن زن سرشناس و با نفوذ می‌دهد حتی اگر از قبیله پرقدرتی چون بنی‌مخزوم باشد و لابی‌های پی در پی متنفذان و حلقه‌های قدرت و ثروت برای رهایی مجرم از مجازات ادامه و استمرار داشته باشد...</p> <p>۲- با طلوع انقلاب اسلامی و برچیده شدن رژیم هزار فامیل پهلوی، خشت‌های ظلم و ستم و تبعیض بیدادگاه‌های طاغوت و سیطره اختاپوسی رژیم آمریکایی شاه فروریخت و بارقه امید در دل‌های مردم شعله‌ور شد تا یک دستگاه قضایی برگرفته از نسخه حکومتی اسلام ناب، پناهگاه مستضعفان و محرومان و گمنام‌ها باشد و در برخورد با مفسدان و مجرمان کلان سرمایه دار و غارتگران بیت‌المال و دانه درشت‌ها هیچ سفارشی را نپذیرد و بر مصلحت‌های کذایی حکم نراند. تبعیت از این الگوی حیات‌بخش است که در همان سال‌های نخستین پس از انقلاب اسلامی یکی از مسئولان عالی‌رتبه دستگاه قضایی وقتی بر مسند قضاوت می‌نشیند و بر او اثبات می‌شود</p>				

که فرزندش در همراهی با گروهک منافقین جرمی بزرگ مرتکب شده است تنها بر مدار قانون تصمیم می‌گیرد و شجاعانه و از سر عدالت مجازات سنگینی علیه فرزندش به اجرا درمی‌آید.

۳- با گشوده شدن پرونده فساد مالی ۳ هزار میلیارد تومانی، رسانه‌های ضدانقلاب با ذوق زدگی و با تمام پتانسیل و ظرفیت رسانه‌ای خود به صحنه آمدند و طی ۶ ماه گذشته حجم انبوهی از مطالب و گزارش‌ها و تحلیل‌هایی را تولید کردند تا این نتیجه را قطعی جلوه دهند که «جمهوری اسلامی توان برخورد قانونی و قضایی با این فساد هنگفت و نجومی را ندارد. بی‌بی‌سی، رادیو فردا، صدای آمریکا در پیشقراول رسانه‌های زنجیره‌ای ضدانقلاب و در همراهی با محافل اپوزیسیون، سلطنت‌طلب، گروهکی‌ها، سبزه‌ها، صهیونیست‌ها و... بطور روزانه و مستمر این ترجیع‌بند رسانه‌ای را در دستور کار قرار داده بودند که پرونده موسوم به فساد ۳ هزار میلیاردی بخاطر ملاحظات سیاسی ابتر خواهد ماند و به اصطلاح ماست مالی می‌شود! همچنین آنچه که در ماه‌های گذشته و پس از شروع تحقیقات مقدماتی پرونده فساد بانکی اخیر آشکار شد هجمه‌های پی‌درپی ضدانقلاب به قوه قضائیه بود که ادعا می‌کرد دستگاه قضایی مستقل نیست و تابع مصلحت‌جویی‌های سیاسی رفتار خواهد کرد و در نهایت القاء می‌نمود این پرونده بزرگ فساد در مسیر قضایی و برخورد قانونی به سرانجام نمی‌رسد.

اما علی‌رغم آن هیاهو و پمپاژهای رسانه‌ای ضدانقلاب اکنون که بخشی از این پرونده پس از پایان تحقیقات مقدماتی به دادگاه آمده ذکر نکاتی قابل‌اعتناست:

یکم- امروز اولین جلسه دادگاه پرونده فساد بانکی یاد شده برگزار می‌شود. البته پیش‌تر سخنگوی محترم قوه قضائیه تاکید کرد که برگزاری اولین جلسه دادگاه پرونده فساد بانکی در ۲۹ بهمن در شرایطی خواهد بود که تا روز دادگاه اتفاق مهم پیش‌بینی نشده‌ای رخ ندهد و قاضی محترم دادگاه نیز نقضی بر تحقیقات مقدماتی نگیرد. معنای اولین جلسه دادگاه برای این پرونده پر حجم و بزرگ این است که از ۱۵ مرداد که این پرونده تشکیل شد تا امروز، در فاصله زمانی کمتر از ۷ ماه احاله پرونده از دادگستری خوزستان به اهواز، انجام تحقیقات مقدماتی، قرار مجرمیت و صدور کیفرخواست برای متهمان اصلی پرونده در چارچوب مقررات قانونی و

آیین دادرسی به سرانجام رسیده است. گفتنی است؛ تاکنون برای ۳۲ متهم کیفرخواست صادر شده است و بنابر اعلام آیت‌الله آملی لاریجانی، اتهام ۵ نفر از آنها «افساد فی الارض» مصداق ماده یک و دو قانون مبارزه با اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور و نیز ماده چهارم قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مرتبط با عنوان اتهامی مفسد فی الارض می‌باشد. اکنون این سوال به میان می‌آید که آیا این اقدامات قاطع د ستگاه قضایی نشان‌دهنده ماست مالی شدن پرونده فساد بانکی است؟!

دوم- در طول تحقیقات مقدماتی، با نظارت قاضی عالی رتبه و خبره و کاردانی چون جناب حجت‌الاسلام اژه‌ای از دهها نفر از کسانی که به نحوی در پرونده فساد بانکی دخیل بوده یا از موضوعات آن با خبر بوده‌اند بازجویی و تحقیقات بعمل آمده است. در این میان افرادی با مسئولیت‌های بالا و حتی با سابقه و کالت یا وزارت نیز مورد تحقیق و احضار قرار می‌گیرند و حتی برخی از مسئولیت‌هایشان برکنار شدند و برخی نیز علی‌رغم فشارهای سیاسی بازداشت شدند و... بنابراین باز این سوال پیش کشیده می‌شود که آیا این اتفاقات قانونی که جز این هم انتظار نمی‌رفت تابع مصلحت‌جویی‌های سیاسی بوده یا در راستای عزم جدی و قاطع قوه قضاییه در جراحی این غده سرطانی صورت پذیرفته است؟

سوم- آنچه که حتی دشمنان و بدخواهان و ضدانقلاب نیز یارای انکار آن را ندارد شفافیت رسیدگی در پرونده فساد بانکی است. این شفافیت در نتیجه اطلاع‌رسانی به موقع، بهنگام و صادقانه قوه قضاییه از مراحل مختلف این پرونده بزرگ حاصل شد. طی کمتر از ۷ ماه گذشته بارها سخنگوی د ستگاه قضایی به میان خبرنگاران آمد و آخرین اقدامات قضایی پرونده فساد بانکی را تشریح کرد. جناب اژه‌ای در تمامی این ماه‌ها علی‌رغم آن که شخصاً روزی ۵ ساعت برای پرونده فساد بانکی وقت می‌گذاشت چندین مرتبه به تلویزیون آمد و با صدقته که مردم همیشه از او دیده‌اند ابعاد این پرونده پیچیده و مهندسی شده را برای افکار عمومی توضیح داد. آیا این عزم جدی و تلاش‌های شبانه‌روزی و اطلاع‌رسانی‌های شفاف و بی‌پرده با خبرنگاران و اصحاب رسانه حکایت از آن دارد که این پرونده بزرگ دچار زد و بندهای سیاسی شده است؟!

<p>چهارم- و بالاخره باید گفت؛ پرونده فساد بانکی اخیر دل آحاد مردم و دلسوزان انقلاب که سرمایه‌های اصلی این نظام هستند را شکست و به درد آورد اما نکته گفتنی این است که این فساد هنگفت و این پلشتی با نسخه حکومتی جمهوری اسلامی ناسازگار است و دشمنان و ضدانقلاب از پروپاگاندای رسانه‌ای خود طرفی نخواهند بست چه این که از مدتی پیش که کیفرخواست ۳۲ متهم اصلی این پرونده صادر شد رویه سکوت را پیش گرفته‌اند و مشت خالی آنها باز شده است و البته با اقتدار دستگاه قضایی تافرجام نهایی این پرونده و صدور آراء و احکام دادگاه، دشمنان و بدخواهان نظام خواهند دید که ایران اسلامی به موازات پیشرفت‌های علمی و هسته‌ای و اقتدار دفاعی در حوزه قضایی نیز بر بلندای عدالت ایستاده است.</p>
<p>سطح اول: توصیف</p>
<p>۱. واژگان:          - مثبت(سفید): عدالت، قانونگرایی، خبره، کاردان          - منفی(سیاه): دزدی، طاغوت، رانت‌خواری، مفسد فی الارض، قانون‌گریزی، پلشتی، ضدانقلاب، دشمنان، شیطان، کلاهبرداری، اختلاس</p>
<p>۲. افراد و نهادهای مطرح شده در متن و نگرش متن نسبت به آنها (مثبت و منفی):          - مثبت: محسنی اژه‌ای، آیت‌الله آملی لاریجانی، قوه قضاییه، مردم، جمهوری اسلامی، پیامبر اکرم، جامعه مسلمین، مستضعف          - منفی: بی‌بی‌سی، رادیو فردا، صدای آمریکا، اپوزیسیون، سلطنت‌طلب، گروه‌های، سبزه‌ها، صهیونیست‌ها، پهلوی، گروه منافقین</p>
<p>۳. قطب‌بندی (غیربیت‌سازی):          - توصیف و معرفی «خود»: عدالت‌خواه، شفاف، دلسوز، قاطع، مقتدر، مستقل، شجاعت          - توصیف و معرفی «دیگران»: سیه‌نما، دروغ‌پرداز، مختلس، کلاهبردار، ضدانقلاب، اختاپوس</p>
<p>۴. استناد به ذکر شواهد:          - روایت‌های صدر اسلام از پیامبر اکرم ﷺ: «از بدبختی‌های امت‌های پیشین در این بود که اگر فرد توانا و بلندپایه‌ای از آنان دزدی می‌کرد، او را می‌بخشیدند و دزدی [وجرم] او را نادیده</p>

<p>می گرفتند ولی اگر فرد ضعیف و گمنامی دزدی می کرد فوراً حکم خدا [و قانون] را درباره او اجرا می کردند؛ به خدا سوگند اگر دخترم نیز چنین کاری می کرد حکم خدا را درباره او اجرا می کردم».</p> <p>- سخنان محسنی اژه‌ای دادستان کل کشور.</p> <p>- سخنان آیت‌الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه</p>
<p>۵. پیش‌فرض‌ها:</p> <p>- مبارزه با فساد در تاریخ اسلام روندی همیشگی بوده است.</p> <p>- جمهوری اسلامی مانند صدر اسلام همواره با مفسدان شفاف و قاطع برخورد کرده است.</p> <p>- رسانه‌های غربی در صدد سیاه‌نمایی هستند.</p>
<p>۶. دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی):</p> <p>- هياهو در مور فساد سه هزار میلیاردی از آبخور دشمن می‌آید.</p> <p>- همه‌ی امور روند قضایی کشور از دیرباز تاکنون شفاف است.</p> <p>- قضات قوه قضاییه پاک‌دست و متعهد هستند.</p>
<p>۷. مفاهیم «عدالت» در متن:</p> <p>- قانونگرایی، مبارزه با فساد، قاطعیت، شفافیت، اعاده حق مردم</p>
<p>۸. تلقی و استنباط از واژگان «عدالت» و دارای مقبولیت:</p> <p>- قانونگرایی، مبارزه با فساد، قاطعیت، شفافیت، اعاده حق مردم</p>
<p>۹. گزاره‌های اساسی متن:</p> <p>- آنچه مورد مذمت پیامبر اسلام قرار گرفته وجود یک سیستم قضایی است که سیاست را بر عدالت ترجیح داده و ضعیف‌کشی سکه رایج آن باشد و در نتیجه، دانه درشت‌ها و سرشناس‌ها و آنها که به کانون‌های قدرت و ثروت متصل هستند از چنگ قانون و عدالت بگریزند.</p> <p>- با طلوع انقلاب اسلامی و برچیده شدن رژیم هزار فامیل پهلوی، خشت‌های ظلم و ستم و</p>

تبعیض بیدادگاه‌های طاغوت و سیطره اختاپوسی رژیم آمریکایی شاه فرو ریخت و بارقه امید در دل‌های مردم شعله‌ور شد تا یک دستگاه قضایی برگرفته از نسخه حکومتی اسلام ناب، پناهگاه مستضعفان و محرومان و گمنام‌ها باشد و در برخورد با مفسدان و مجرمان کلان سرمایه‌دار و غارتگران بیت‌المال و دانه درشت‌ها هیچ سفارشی را نپذیرد و بر مصلحت‌های کذایی حکم نرانند.

۱۰. مؤلفه‌های اجماع و مورد توافق در متن:

- قانون الهی

- عدالت فراگیر

- احقاق حقوق ستمدیدگان

- برخورد قاطع با رانت‌خواران

تحلیل متن و تحلیل فرامتن (تفسیر و تبیین)

متن با ذکر روایتی از برخورد پیامبر اکرم ﷺ و برخورد قاطع با دزدی آغاز می‌شود و بعد از ذکر عدالت‌خواهی و عدم مصلحت‌اندیشی و سیاسی کاری پیامبر با واژگان امروزی مانند رانت‌خواری، دانه درشت‌ها، آقازاده‌ها و ... وضعیت تاریخی صدر اسلام را با وضعیت اکنون ایران گره می‌زند و مسئله فساد سه هزار میلیاردی را با وضعیت دزدی صدر اسلام گره می‌زند. متن سرمقاله با شبیه‌سازی وضعیتهای تاریخی حول عدالت چفت و بست می‌شود و قوه قضاییه را به عنوان نهادی پاک و قاطع و دارای قاضیان خبره بازنمایی می‌کند. الگوی دیگر بازنمایی در متن با برساختن غیریتها به عنوان دشمنان قسم خورده نظام اسلامی آنها را در برخورد با فساد سه هزار میلیاردی به سیاه‌نمایی متهم می‌کند. دال مرکزی متن عدالت‌پیشگی است. متن نشان می‌دهد که عدم عدالت با دزدی برابر است و پایمال کردن حقوق ستمدیدگان. اما مسئله‌ی اصلی متن در برخورد با دال عدالت بیش از دفاع از عدالت توضیح وضعیت و موضع‌گیری منتقدان فساد سه هزار میلیاردی از تریبونهای منتقد است. متن تلاش می‌کند این منتقدان را به عنوان عاملان اصلی فساد و ضدعدالت و سلطنت‌طلب و دروغ‌پرداز جلوه دهد چراکه نیت پس پشت نقد آنها از فساد زیر سؤال بردن اقتدار نظام اسلامی است.

گفتمان حاکم بر متن نظام اسلامی و قوه قضاییه را در تمامی برخوردهایش عادل جلوه

می‌دهد و عدالت راستین را تنها در دل نظام اسلامی توصیف می‌کند و سیاه‌نمایی فساد را شیوه‌ای از ظلم و جور می‌داند. گفتمان متن در چارچوب اصول گفتمانی در صدد یک‌دست کردن تمامی مخالفان ذیل دال ظالم و طاغوتیان است و مسئله‌ی اصلی آن اعاده حیثیت نظام اسلامی و قوه قضاییه در فساد سه هزار میلیاردی است.

## ۹. تحلیل گفتمان روزنامه‌ی شرق

### - متن اول

شماره سرمقاله: ۱۲۷۹	روز هفته: یکشنبه	تاریخ نشر: ۱۳۹۰/۴/۵	عنوان سرمقاله: عدالت قضایی و چالش	نام نویسنده: علی نجفی توانا
<b>متن سرمقاله:</b>				
<p>قوه قضاییه مجری عدالت قضایی و مرجع ساماندهی به نظام اجتماعی و یکی از ارکان مردم سالاری و ناظر بر اجرای در ست قانون و در واقع به نوعی مبصر دو قوای تقنینی و اجرایی در انجام رسالت قانونی آنها است. واکنش‌های به موقع قوه قضاییه در خصوص تخلفات و نقض عهدها موجب نظم‌پذیری و درستکاری دستگاه‌های عمومی و خصوصی و آحاد ملت خواهد شد. قوه قضاییه رکن تپنده قوای حاکمیتی در جامعه محسوب می‌شود و چگونگی عملکرد این قوه در سلامت عمومی هنجاری دو قوای دیگر و مردم اثر مستقیم و تعیین کننده دارد. فرآیند حرکت این قوه تابعی از نظام تقنینی است. در عین حال شخصیت رییس قوه توان علمی و تجربه‌های عملی وی با عنایت به فرهنگ غالب کشور- که نقش افراد در یک ساختار حاکمیتی عمدتاً می‌تواند اثرات نظام اداری را تحت تاثیر قرار داده و حتی سبک و سیاق اجرای امور توسط مدیران فرادست و فرودست را دگرگون سازد، در این روند جایگاه ویژه دارد. در کنار دو پارامتر پیش گفته، عوامل اقتصادی، فرهنگی و مدیریت کلان داخلی و تحولات بین‌المللی نیز در عملکرد قوه قضاییه نقش مهمی ایفا می‌کند. موازی با چنین شرایطی، وجود تعامل و هماهنگی بین سه قوه یا تعارض و تسویه حساب و زورآزمایی بین آنها قطعاً انجام وظایف قوه مذکور را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در قوانین ما اعم از قانون مادر یا عادی، گستره وظایف قوه قضاییه در امر حل و فصل اختلافات</p>				

<p>مردم، اجرای عدالت، ایجاد و حفظ امنیت و پیشگیری از جرم کاملاً مشهود است ولی اینکه توفیق لازم در این روابط به دست آمده است با عنایت به مجموعه عوامل فوق‌الاشعار، پاسخ قطعا امیدوار کننده نخواهد بود. متأسفانه فقدان یک سیاست تقنینی مدون از یک طرف موجب شده که قوانین ناسخ و منسوخ در رابطه با حقوق و تکالیف مردم و ضمانت اجراهای آن تصویب شود. مقررات حیاتی و ضروری در رابطه با تشکیلات مراجع رسیدگی کننده که محور و ستون قوه قضاییه تلقی می‌شوند و همچنین ضوابط مربوط به تشریفات رسیدگی در طول چهار دوره مدیریت قوه توسط شورای عالی قضایی و سه مدیر بعدی با چالش‌های سلیقه‌ای و مقطعی روبه رو شد. به گونه‌ای که بسیاری از قوانین مفید مربوط به ساختار مراجع قضایی و تشریفات دادرسی نسخ و موجب صرف هزینه‌های مالی، معنوی، اداری، قضایی و حتی حیثیتی برای این قوه شد. و با تغییر مدیریت مجدداً با صرف هزینه‌های فراوان نظام قبلی حاکم شد. آسیب‌شناسی و سنجش اثرات مخرب مادی و معنوی و پایمال شدن حقوق بسیاری از مردم و مصدوم شدن نظام عدالت قضایی در این مقال نمی‌گنجد که البته روزی باید به آن پرداخت و خسارات وارده را از مسبب مطالبه کرد. طبیعتاً نباید و نمی‌توان از چالش‌های موجود در اجرای مفاد قانون اساسی به ویژه اصول ۳ و ۱۹ الی ۴۲ که مربوط به حقوق مردم است غافل بود.</p>
<p style="text-align: right;"><b>سطح اول: توصیف</b></p>
<p style="text-align: right;"><b>۱. واژگان:</b></p> <p style="text-align: center;">- مثبت (سفید): عدالت، قانون، نظم، درستکاری، حیاتی - منفی (سیاه): نقض عهد، تخلف، پایمال کردن حق، برخورد سلیقه‌ای</p>
<p style="text-align: right;"><b>۲. افراد و نهادهای مطرح شده در متن و نگرش متن نسبت به آنها (مثبت و منفی):</b></p> <p style="text-align: center;">- مثبت: علی (ع)، قانون اساسی - منفی: قوه قضاییه</p>
<p style="text-align: right;"><b>۳. قطب‌بندی (غیریت‌سازی):</b></p> <p style="text-align: center;">- توصیف و معرفی «خود»: قانون‌گرا، ضابطه‌مند، نظم‌گرا - توصیف و معرفی «دیگران»: قانون‌گریز، بی‌ضابطه، بی‌نظم</p>



<p><b>۴. استناد به ذکر شواهد:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- استناد به قانون اساسی</li> <li>- استناد به حقوق شهروندی</li> <li>- استناد به تحولات جهانی و ملی</li> </ul>
<p><b>۵. پیش فرض‌ها:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- برخوردها در قوه قضاییه سلیقه‌ای است.</li> <li>- حقوق اساسی مردن تضییع می‌شود.</li> </ul>
<p><b>۶. دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی):</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- قوه قضاییه دارای آسیب‌های اساسی است.</li> <li>- قوانین کیفری خود را با تحولات جهانی نمی‌سنجند.</li> <li>- بسیاری از احکام قوه قضاییه بی‌حیثیت کردن نظام و کشور است.</li> </ul>
<p><b>۷. مفاهیم «عدالت» در متن:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- عدالت سیاسی، عدالت حقوقی</li> </ul>
<p><b>۸. تلقی و استنباط از واژگان «عدالت» و دارای مقبولیت:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- شایسته‌سالاری، شفافیت، حفظ امنیت، پیشگیری از جرم</li> </ul>
<p><b>۹. گزاره‌های اساسی متن:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- گستره وظایف قوه قضاییه در امر حل و فصل اختلافات مردم، اجرای عدالت، ایجاد و حفظ امنیت و پیشگیری از جرم کاملاً مشهود است ولی اینکه توفیق لازم در این روابط به دست آمده است با عنایت به مجموعه عوامل فوق‌الاشعار، پاسخ قطعاً امیدوارکننده نخواهد بود.</li> <li>- متأسفانه فقدان یک سیاست تقنینی مدون از یک طرف موجب شده که قوانین ناسخ و منسوخ در رابطه با حقوق و تکالیف مردم و ضمانت اجراهای آن تصویب شود.</li> </ul>
<p><b>۱۰. مؤلفه‌های اجماع و مورد توافق در متن:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- قانونگرایی</li> <li>- احقاق حقوق شهروندی</li> </ul>
<p><b>تحلیل متن و تحلیل فرامتن (تفسیر و تبیین)</b></p>

گفتمان حاکم بر متن بر محور عدالت قضایی از منظری مدرن می‌چرخد. متن بصورتی ضمنی تلاش دارد قوه قضاییه و حتی شخصیت رییس قوه را مورد نقد و آسیب شناسی قرار دهد و در گزاره‌هایی در لفافه تلاش می‌کند نشان دهد قوه قضاییه در چارچوب احقاق حقوق شهروندی و عدالت قضایی حرکت نمی‌کند. محورهایی که متن به نقد آنها می‌نشیند در درون گفتمان مدرن و دموکراسی قرار دارند و آرمانهای دموکراسی در جنبه‌ی رعایت حقوق فرد، احترام به حریم خصوصی، مسئله شفافیت قضایی و... به عنوان گفتمان حاکم بر متن به عنوان اصولی عمل می‌کنند تا قانون‌گریز، تضییع حقوق شهروندان و عدم شفافیت و به روز بودن قوانین را مورد نقد قرار دهد. متن با برساختن یک دوتایی نظم/بی‌نظمی و همچنین قانونگرایی/قانونگریزی عدالت را حول عدالت شهروندی چفت و بست می‌کند.

گفتمان حاکم بر متن از منظر مدرن یک پدیده‌ی بی‌هنجار را به نقد می‌نشیند لذا سوژه‌ی نویسنده در درون الگوی مدرنیته و دموکراسی مدرن جای دارد و غیریت خود را به عنوان خودسر و قانون‌گریز بر می‌سازد و آن را نقد می‌کند. الگوی گفتمانی متن در نظر اول خنثی و همراه با نقد نرم به نظر می‌رسد اما در دوتایی‌هایی که خلق می‌کند غیریت خود را (قوه قضاییه) به عنوان نهادی بی‌کفایت بر می‌سازد و تلاشهای آن را فاقد اثر می‌داند.

در پس متن الگوی نقد سیاسی کاری نیز مشاهده می‌شود. گفتمانی که متن از آن تغذیه می‌کند از یک سو گفتمان دموکراسی است و از دیگر سو الگوی نقد جریان اصلاح‌طلب.

#### - متن دوم

شماره سرمقاله:	روز هفته:	تاریخ نشر:	عنوان سرمقاله:	نام نویسنده:
۱۲۵۸	یکشنبه	۱۳۹۰/۳/۸	عدالت، در گرو تولید و اشتغال	هادی حق‌شناس
<b>متن سرمقاله:</b>				
شاخص ضریب جینی در کنار برخی شاخص‌های دیگر، بیانگر وضعیت اقتصادی دهک‌های مختلف اقتصادی هر کشور است؛ شاخص‌هایی مانند تورم و نرخ رشد اقتصادی بیانگر تفکیک درآمدها بین دهک‌های مختلف هر جامعه به شمار می‌آید. نرخ تورم اعلامی، هر عددی که باشد اثر منفی بیشتری برای دهک‌های پایین جامعه دارد؛ در حالی که اثر این شاخص بر دهک‌های بالای جامعه چندان پررنگ نیست. معمولاً دهک‌های پایین جامعه نرخ تورم را بیشتر از سایر دهک‌ها احساس				

می‌کنند. زمانی که درآمد سرانه اعلام می‌شود، این بار دهک‌های بالای جامعه هستند که احساس خوشبختی بیشتری نسبت به سایر دهک‌ها دارند. در این بین، ضریب جینی گویاتر از شاخص‌های یاد شده است؛ به طوری که این شاخص نشان می‌دهد عدالت اقتصادی در جامعه برقرار شده است یا خیر. توزیع درآمد بین ۱۰ دهک جامعه رخ می‌دهد؛ ضریب جینی نیز عددی بین صفر و یک است. در صورتی که ضریب جینی عدد یک را نشان دهد به این معناست که کل ثروت به پردرآمدترین دهک‌های جامعه رسیده است و اگر ضریب جینی، عدد صفر را نشان دهد یعنی کل ثروت به صورت عادلانه و یکسان بین ۱۰ دهک تقسیم شده است. بنابراین هرچه این شاخص به سمت عدد یک تمایل یابد، توزیع ثروت ناعادلانه و هرچه به سوی عدد صفر حرکت کند توزیع ثروت عادلانه است. در کل، برنامه‌های پنج ساله همواره تلاش بر این بوده تا ضریب جینی به عدد صفر نزدیک شود و به کارگیری برخی سیاست‌ها مانند تحت پوشش قرار دادن محرومان از طریق کمیته امداد امام خمینی علیه السلام، بهزیستی، بیمه‌های روستایی و وام‌های ارزان برای روستاییان با این هدف در پیش گرفته شده است؛ اما ضریب جینی به دلایل مختلف هنوز و وضعیت مطلوبی ندارد زیرا تصور برخی دولت‌ها این است که با توزیع پول، می‌توانند این شاخص را اصلاح کنند؛ در حالی که اصلاح ضریب جینی از طریق توجه به تولید و اشتغال میسر می‌شود. در حال حاضر جمعیت بیکار کشور به بیش از سه میلیون نفر بالغ می‌شود در حالی که اگر تعداد افرادی که هفته‌ای یک ساعت کار می‌کنند و شاغل به حساب می‌آیند را از این رقم کسر کنیم، جمعیت بیکار کشور به بیش از دو برابر رقم یاد شده، خواهد رسید. طبیعی است در چنین شرایطی ضریب جینی قابل کاهش نخواهد بود. البته ضریب جینی در سال‌های گذشته در حد یک تا دو صدم تغییر یافته است. این تغییر بیشتر ناشی از پول‌هایی است که تحت عنوان‌های مختلف به دهک‌های پایین جامعه پرداخت شده. همان‌طور که گفته شد پرداخت پول‌هایی از این دست نمی‌تواند دایمی باشد. وضعیت فعلی که برگرفته از تزریق نقدینگی با رشدی بیش از ۲۵ درصد نسبت به سنوات گذشته است نمی‌تواند ضریب جینی را اصلاح کند مگر اینکه دولت ابتدا انضباط مالی را در پیش گیرد و در گام بعد، هزینه‌های جاری خود را کاهش دهد و در ادامه، نرخ تورم را نیز در کوتاه‌ترین زمان ممکن یک رقمی کند. اصلاح ضریب جینی، نتیجه به کارگیری سیاست‌های درست اقتصادی است. همچنان که تورم و بیکاری علایم بیماری یک اقتصاد به شمار می‌روند، بالا بودن ضریب جینی نیز نشان از بیماری اقتصادی و توزیع ناعادلانه درآمد در کشور دارد. اگر دولت به دنبال عدالت اقتصادی است باید فضای کسب و کار را برای تمامی ایرانیان فراهم کند تا هرکس از کد میمن و

عرق جبین، نان به دست آورد.
سطح اول: توصیف
<p><b>۱. واژگان:</b></p> <p>- مثبت (سفید): خوشبختی، عدالت محوری، انضباط</p> <p>- منفی (سیاه): فلاکت، عدالت‌گریزی، بی‌انضباطی</p>
<p><b>۲. افراد و نهادهای مطرح شده در متن و نگرش متن نسبت به آنها (مثبت و منفی):</b></p> <p>- مثبت:</p> <p>- منفی: دولت دهم</p>
<p><b>۳. قطب‌بندی (غیریت‌سازی):</b></p> <p>- توصیف و معرفی «خود»: قانون‌مند، عدالت‌طلب</p> <p>- توصیف و معرفی «دیگران»: بی‌انضباط، قانون‌گریز</p>
<p><b>۴. استناد به ذکر شواهد:</b></p> <p>- استناد به ضریب جینی در علم اقتصاد</p> <p>- استناد به آمارهای بیکاری و اشتغال دولت</p>
<p><b>۵. پیش‌فرض‌ها:</b></p> <p>- کاهش فاصله طبقاتی</p> <p>- عدالت اقتصادی</p> <p>- حل معضلات طبقات پایین</p>
<p><b>۶. دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی):</b></p> <p>- دولت دهم از نظر مالی بی‌انضباط است.</p> <p>- دولت با توزیع پول خارج از قاعده در حل معضلات اقتصادی توفیق نداشته.</p> <p>- معضل شکاف طبقاتی محصول سیاست‌های غلط دولت دهم است.</p>
<p><b>۷. مفاهیم «عدالت» در متن:</b></p> <p>عدالت اقتصادی، کاهش شکاف طبقاتی، ایجاد اشتغال، مهار تورم</p>

**۸. تلقی و استنباط از واژگان «عدالت» و دارای مقبولیت:**

انضباط مالی، علم‌پیشگی

**۹. گزاره‌های اساسی متن:**

- ضریب جینی به دلایل مختلف هنوز وضعیت مطلوبی ندارد زیرا تصور برخی دولت‌ها این است که با توزیع پول، می‌توانند این شاخص را اصلاح کنند؛ در حالی که اصلاح ضریب جینی از طریق توجه به تولید و اشتغال میسر می‌شود.

- در حال حاضر جمعیت بیکار کشور به بیش از سه میلیون نفر بالغ می‌شود در حالی که اگر تعداد افرادی که هفته‌ای یک ساعت کار می‌کنند و شاغل به حساب می‌آیند را از این رقم کسر کنیم، جمعیت بیکار کشور به بیش از دو برابر رقم یاد شده، خواهد رسید. طبیعی است در چنین شرایطی ضریب جینی قابل کاهش نخواهد بود.

**۱۰. مؤلفه‌های اجماع و مورد توافق در متن:**

- کاهش فاصله طبقاتی

- توجه به محرومین

- ایجاد اشتغال

- کنترل تورم

تحلیل متن و تحلیل فرامتن (تفسیر و تبیین)

متن در یک گفتار علمی از درون گفتمان علم اقتصاد عدالت را ذیل کاهش ضریب جینی (شکاف طبقاتی) تئوریزه می‌کند. گفتمان حاکم بر متن ابتدا با گفتمانی علمی آغاز می‌شود و عدالت را در یک معنای ناب اقتصادی توضیح می‌دهد سپس با یک چرخش در گفتمان سیاسی حمله‌ای به دولت دهم می‌برد بر محور عدالت و نشان می‌دهد مطابق گفتمان حاکم بر علم اقتصاد دولت دهم نتوانسته است عدالت را تحقق بخشد.

گفتمان حاکم بر متن از یک سو در درون گفتمان اقتصادسنجی قرار دارد و از دیگر سو در درون گفتمان نقادانه‌ی موسوم به جریان چپ منتقد درون حاکمیتی که بر مسئله‌ی کارگران، بیکاران و دهک‌های پایین جامعه تمرکز دارد. استراتژی گفتمانی این متن این است که در قالبی علمی خاستگاه طبقاتی دولت دهم که دهک‌های پایین جامعه است را مجاب نماید و نشان دهد که دولت دهم در راضی کردن نیروهای حامی خود نیز شکست خورده است.

غیریت متن همان دولت دهم است که در یک معنای کلی به عوام فریبی نیز متهم می‌شود زمانی که متن به آمار اشتغال و دستکاری تعریف شاغل و همچنین توزیع پول (اشاره به هدفمندسازی بارانه‌ها) اشاره می‌کند.

در مجموع گفتمان اصلی متن گفتمانی است در درون سیاست اصلاح‌طلبانه که روکشی علمی یافته است و تلاش می‌کند با مسیر مرکزی (استنا به داده‌ها و ارقام) مخاطب را قانع نماید و غیریت خود را ناکام، عدالت‌گریز و عوام فریب جلوه دهد.

#### ۱۰. نتیجه‌گیری

کشمکش گفتمانی و تقابل این دو گفتمان برای تثبیت معنا مطابق الگوی لاکلائو و دیگران (۱۳۸۵) در کشمکش آشکارا هستند. همچنین مطابق الگوی زبان شناختی تحلیل گفتمان اقتصاد واژگانی حاکم بر دو روزنامه‌ی کیهان و شرق نمود دو گفتمان رقیب است که در درون یک جدال سیاسی آشکار در صدد به کارگیری دستگاه‌های مفهومی خاصی حول عدالت هستند که یکی از خلال برخورد قاطع و قهری (کیهان) تحقق می‌یابد و عدالت را ذیل قانون الهی تعریف می‌کند، در مرتبه بعد تجلی این قانون را در جمهوری اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری و امام راحل می‌بیند، در مرتبه سوم تجلی آن را در سند چشم‌انداز می‌جوید و نقطه مقابل آن (اصلاح‌طلبان) را به عنوان انحراف و خودباختگی و غرب‌زدگی برمی‌سازد. و در روزنامه شرق عدالت از خلال دموکراسی و مردم‌سالاری و شاید سالیانه سالاری تحقق می‌یابد در واقع می‌توان گفت که گفتار سیاسی حاکم بر متن هر دو روزنامه،

گفتمان خود را ذیل اعتباربخشی دینی می‌پوشانند. این دو گفتمان را می‌توان ذیل اصولگرایی تند رو و اصلاح‌طلبی میانه رو خوانش کرد. اصولگرایی تندرو که با قرائتی خاص از اسلام در اقتصاد واژگانی طرح شده عدالت را توصیف می‌کند و در مقابل اصلاح‌طلبی میانه رو گفتمان شریک که با قرائتی خاص خود از اسلام در صدد صورت‌بندی و قالب‌بندی عدالت است. آنچه به نظر می‌رسد این است که در هر دو گفتمان عدالت دالی سیال است (بنگرید به لاکلاو، ۱۳۹۲) که معانی متعددی به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر عدالت در هر دو گفتمان مطابق اصطلاحات دریدا (۱۳۹۰) و همچنین ژاک لاکان (بنگرید به هومر، ۱۳۹۲) یک "دال استعلایی" است که دارای مدلول‌های متعدد است. این مدلول‌ها که در قالب واژگان مثبت و منفی و ابعاد عدالت و دلالت‌های آشکار و ضمنی متن مشهودند دستگاهی مفهومی را تشکیل می‌دهند که مطابق الگوی فوکو و همچنین فرکلاف پروبلماتیک متن را در اقتصاد واژگانی خاص خود تولید می‌کنند. در واقع آنچه فصل مشترک گفتمانی هر دو رویکرد است، قرائتی دینی از مضمون عدالت و گستره مفهوم عدالت است. و الگوی کشمکش گفتمانی هر دو روزنامه برای هژمونیک کردن خود بر سر خوانشی دینی از مفهوم عدالت است.

### منابع و مأخذ

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹). *عدالت در اندیشه سیاسی غرب، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۵۴-۱۵۳، صص ۶۸-۷۶
۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۱). *عدالت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
۳. پل وینر، فلیپ (۱۳۹۱). *فرهنگ اندیشه‌های سیاسی: برگرفته از فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی، چاپ اول
۴. پیغامی، عادل (۱۳۸۷). *تحلیل مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مسئله عدالت در اندیشه مرتضی مطهری (ره)*، *مطالعات اقتصادی اسلامی*، سال اول، شماره اول، صص ۱۷۳-۲۰۰
۵. پیمان، حبیب‌الله (۱۳۸۲). *ثبات و تغییر در اندیشه دینی، مجله کیان*، شماره ۵
۶. توسلی، حسین (۱۳۷۶). *مبانی عدالت در نظریه جان رالز، مجله نقد و نظر*، سال سوم، شماره دوم و سوم
۷. تیلیس، رابرت بی (۱۳۸۵). *فلسفه راولز*، ترجمه

- خشایار دیهمی، تهران: طرح نو، چاپ اول
۸. حاجی حیدری، حمید (۱۳۸۸). *تحول تاریخی مفهوم عدالت، فصلنامه علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره چهل و پنج
۹. حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶). *اصول عدالت سیاسی، مجله نقد و نظر*، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱
۱۰. راولز، جان (۱۳۸۳). *عدالت به مثابه انصاف*، ترجمه عرفان ثابتي، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس
۱۱. راولز، جان (۱۳۸۷). *نظریه عدالت*، ترجمه محمد کمال سرویان، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۱۲. سودای، محمدعلی (۱۳۸۳). *نسبت آزادی سیاسی و عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی شهید مطهری، مجله حکومت اسلامی*، شماره ۳۱
۱۳. شاقول، یوسف (۱۳۸۹). *مبانی فلسفی نظریه عدالت رالز، فصلنامه فلسفی*، شماره ۱۱، صص ۱۸۳-۱۹۹
۱۴. فوکو، میشل (۱۳۹۲). *تاریخ جنون در عصر کلاسیک*، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: نشر هرمس
۱۵. فوکو، میشل (۱۳۸۹). *دیرینه شناسی دانش*، ترجمه عبدالقادر سواری، تهران: گام نو
۱۶. فرکلاف، نورمن (۱۳۸۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ سوم، تهران: نشر دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
۱۷. فوزی، یحیی و مرادی، روح‌الله (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اسلام و غرب (بررسی موردی مقایسه نظریه عدالت در اندیشه‌های امام خمینی و جان راولز)*، *پژوهشنامه متین*، شماره ۴۸، صص ۹۸-۱۱۷
۱۸. کاشی پورمحمدی، علیرضا (۱۳۸۰). *عدالت اجتماعی در اندیشه شهید، مجله رشد معلم*، شماره ۱۵۸
۱۹. کاشی، غلامرضا (۱۳۷۹). *جادوی گفتار؛ ذهنیت فرهنگی و نظام معانی در دوم خرداد*، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پژوهان، چاپ اول
۲۰. لاکلاو، ارنستو (۱۳۹۲). *هژمونی و استراتژی‌های سوسیالیستی*، ترجمه محمد رضایی، نشر ثالث
۲۱. دریدا، ژاک (۱۳۹۰). *در باره گراماتولوژی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات رخداد نو
۲۲. کیخا، نجمه (۱۳۸۹). *عدالت اجتماعی*، تهران: کانون



- اندیشه جوان
۳۳. لسناف، مایکل. ایچ (۱۳۸۷). *فلسوفان سیاسی قرن بیستم*، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ دوم، تهران: نشر ماهی
۳۴. مرامی، علیرضا (۱۳۷۸). *بررسی مقایسه مفهوم عدالت(از دیدگاه شهید، شریعتی، سیدقطب)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۳۵. مطهری، مرتضی مطهری (۱۳۷۶). *بیست گفتار*، قم: انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *عدل الهی*، تهران: شرکت سهامی انتشار
۳۷. مک دائل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان
۳۸. میلز، سارا (۱۳۸۲). *تحلیل گفتمان*، ترجمه فاتح محمدی، تهران: نشر هزاره سوم، چاپ دوم
۳۹. ندائی، محمد علی (۱۳۸۵). *عدالت در گفتمان انقلاب اسلامی*، قم: موسسه بوستان کتاب
۳۰. نیستانی، محمود (۱۳۷۹). «*تحلیل انتقادی گفتمان در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیل‌گر*» تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
۳۱. واعظی، احمد (۱۳۸۲). *نظریه عدالت کانت، فصلنامه علوم سیاسی*، سال ششم، شماره بیست سوم، صص ۸۹-۱۱۴
۳۲. واعظی، احمد (۱۳۸۸). *نقد و بررسی نظریه‌های عدالت*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام
۳۳. ون دایک، تئون ای (۱۳۸۹). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، چاپ سوم، تهران: نشر دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
۳۴. هومر، شون (۱۳۹۲). *ژاک لاکان*، ترجمه محمد علی جعفری و سید محمد ابراهیم طاهایی، نشر ققنوس
۳۵. هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۹۱). *آناتومی رفاه اجتماعی*، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ
۳۶. هوراث، دیوید (۱۳۷۷). *نظریه گفتمان*، ترجمه سیعلی اصغری سطنی، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲، صص ۱۵۶-۱۸۳
۳۷. یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۱). *نظریه و*

۶۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، س ۵، بهار ۹۵، ش ۱۶

روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران:  
نشر نی، چاپ دوم

۳۸. [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)